

قتل تازه عروس بعد از دعوی خانوادگی



عکس: خبرگزاری فارس

مهندس جوان که متهم است همسرش را از پنجره به بیرون پرت کرده و او را به قتل رسانده در دادگاه ادعا کرد متوفی خودکشی کرده است.

به گزارش شرق، زن تازه عروس که موژان نام داشت در هفت ماه زندگی مشترک با شوهرش بارها توسط او مورد ضرب و جرح قرار گرفته و چاقو خورده بود.

نماینده دادستان تهران در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که صبح دیروز در شعبه 113 دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی اصغرزاده برگزار شد در دفاع از کیفرخواست گفت: متهم که سبحان نام دارد 19 آذر سال گذشته در پی اعلام مرگ موژان توسط مسئولان بیمارستان بازداشت شد. مطابق تحقیقاتی که توسط ماموران پلیس شهری انجام گرفته مشخص شده است متهم بعد از اینکه با همسرش درگیر شد، او را از پنجره خانه به پایین پرت کرد. دوربین‌های مداربسته موجود در منطقه پرت شدن شیئی از داخل خانه به بیرون را ضبط کردند. سر موژان بعد از پرت شدن به بیرون به جدول برخورد کرد و او پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. علاوه بر فیلم دوربین‌های مداربسته و عکس‌هایی که از محل جنایت گرفته شد، گزارش ماموران مبنی بر به هم ریختگی وسایل خانه که از درگیری قبل از قتل حکایت دارد و اعترافات صریح متهم که با دست خط خود در بازجویی‌ها نوشته و به قتل همسرش و درگیری با او اعتراف کرده نیز در پرونده موجود است. البته باید خاطر نشان کنم این اعترافات کاملاً با واقعیت منطبق است. با توجه به مدارک موجود در پرونده درخواست صدور حکم قانونی در این خصوص را دارم.

در ادامه پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر شدند و درخواست کردند برای متهم حکم قصاص صادر شود. مادر مقتول درباره زندگی دخترش گفت: موژان و سبحان هم دانشگاهی بودند. آنها هفت ماه بود که با هم ازدواج کرده بودند، اما سبحان مرتب دخترم را کتک می‌زد. دخترم یک روز خوش هم در زندگی‌اش با سبحان ندید او خرجی نمی‌داد و نسبت به دخترم بی‌تفاوت بود. سر هر مسئله کوچکی به جانش می‌افتاد و او را کتک می‌زد. قبل از این هم یک بار دخترم را با چاقو زده بود. یک روز قبل از حادثه بود که موژان به من تلفن زد و گفت سبحان دوباره او را کتک زده است. من و دختر کوچکم به خانه موژان رفتیم و دیدیم سبحان موهای دخترم را کشید و او را روی پله‌ها انداخت و مرتب سر موژان را به پله می‌کوبید سعی کردم جلوی سبحان را بگیرم اما نتوانستم به او گفتم الان دخترم را می‌کشی چرا این کار را می‌کنی؟ ولش کن به خانه خود بیاید. سبحان من و دختر کوچکم را هم به زمین کوبید و ما مجبور شدیم با پلیس 110 تماس بگیریم، ماموری که آمد نمی‌توانست موژان را از دست سبحان بگیرد و سبحان حمله می‌کرد تا دخترم را بزند. در کلانتری هم چندبار حمله کرد تا او را بزند ما درخواست بازداشت او را کردیم اما برادرش آمد و او را با سند آزاد کرد. سبحان وقتی با دخترم دعوا می‌کرد و او را کتک می‌زد دخترم را ول می‌کرد و چند روز به خانه نمی‌آمد حتی به ما هم اطلاع نمی‌داد که بدانیم چه بلایی سر بچه مان آمده است. ما درخواست قصاص داریم و به هیچ وجه هم گذشت نمی‌کنیم.

در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل همسرش را رد کرد و گفت: موژان خودکشی کرده است. شب قبل از حادثه من و همسر من با هم جروبحث کرده بودیم. موژان چند روزی قهر کرده و به خانه مادرش رفته بود وقتی با من تماس گرفت، گفتم باید با هم تنها صحبت کنیم و اصلاً نمی‌خواهم شخص دیگری حضور داشته باشد، اما وقتی به خانه رفتم مادر من را دیدم که با خواهرزمن آنجا بودند. درگیری ما به همین دلیل رخ داد، روز بعد ساعت شش بود که از سرکار برگشتم ماشین را که پارک کردم دیدم دو زن سوار ماشین شدند و رفتند متوجه شدم مادر و خواهرزمن هستند، وقتی بالا رفتم زخم خواب بود زنگ زد در را که باز کرد وارد خانه شدم او رفت و دوباره دراز کشید پرسیدم مادرت به خانه ما آمده بود؟ گفت نه. گفتم ولی زنی را دیدم که خیلی شبیه مادرت بود جواب داد اگر او بود چرا تعارفش نکردی بالا بیاید یا چرا او را به خانه‌اش نرساندی و چرا به مادرم بی‌احترامی کردی؟ گفتم اگر مشکل این است زنگ می‌زنم و عذرخواهی می‌کنم فلاسک چای را برداشت و به سرخودش کوبید. خیلی عصبانی بود. سعی کردم او را آرام کنم بعد گفت باید بگذاری من سرکار

بروم نباید جلوی مرا بگیری. گفتم من این حق را به تو داده‌ام و با اینکه راضی نیستم سرکار بروی اما اگر می‌خواهی کار کنی اشکالی ندارد البته من قبلش به تو گفته بودم که اگر می‌خواهی کار کنی بیا پیش خودم، اما خودت گفتی دوست نداری. زنم جواب داد من می‌خواهم سرکارم باشم اما چون تو با من دعوا کردی عذر من را خواسته‌اند. قرار شد من با محل کار او تماس بگیرم و بگویم با کار کردن زنم مشکلی ندارم. او به من گفت قول دیگری هم باید بدهی اینکه وقتی دعوا کردیم دیگر کتکم نزن. گفتم نمی‌شود وقتی تو می‌زنی من هم می‌زنم. این قول را به او ندادم. بلند شد و رفت تعجب کردم که این بار کار به درگیری نکشید. یک دفعه صدای جیغ خفیفی شنیدم و وقتی جلو رفتم دیدم زنم خودش را از پنجره اتاق خواب به بیرون پرت کرده است.

متهم درباره اظهارات مادرزنش گفت: قبول دارم زنم را کتک می‌زدم، البته فقط یک بار دماغش را شکستم اما ضربه چاقویی که روی شکمش بود کار من نبود، زنم سابقه خودکشی دارد و چندین بار خودزنی کرده است.

در این هنگام قاضی اصغرزاده به متهم گفت: تو در بازجویی‌ها گفته‌ای هر بار که عصبانی می‌شدی زنت را کتک می‌زدی و کسی جلودارت نبود و گفته‌ای روز حادثه با او درگیر شدی و بعد از پنجره به پایین پرش کردی ضمن اینکه جراحات وارده بر بدن مقتول نشان می‌دهد او توسط شخص دیگری پرت شده نه اینکه دست به خودکشی زده باشد علاوه بر این در مدت شش ماه دوبار خانه عوض کردی که یک‌بارش به خاطر گزارش همسایه‌ها درباره آزارهای علیه موژان بود، صاحب خانه قبلی‌ات هم گفته یک بار تو را دیده که قصد داشتی زنت را از پنجره به بیرون پرت کنی در این باره چه می‌گویی؟

متهم گفت: اقرارهای من در این خصوص تحت فشار بود. من زنم را نکشتم هرچند قبول دارم او را کتک می‌زدم. خانه‌ام را هم عوض کردم به این دلیل که می‌خواستیم خانه‌ای بزرگ‌تر اجاره کنیم. گفته‌های صاحب خانه قبلی‌ام هم درست نیست. هیات قضات بعد از دفاعیات متهم و وکیل مدافع او برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

28 آذر 1392

منبع: <http://goo.gl/Gw0NjK>